

استراتژی آمریکا برای مقابله با چین در تایوان

حمید درج^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

چکیده

تنگه تایوان اغلب به‌عنوان محتمل‌ترین مکان رویارویی نظامی بین ایالات متحده و چین در نظر گرفته می‌شود. تایوان نه تنها در یک مکان مهم ژئواستراتژیک قرار دارد بلکه به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد برای واشنگتن در منطقه هند و اقیانوس آرام عمل می‌کند. در چهار دهه گذشته، ایالات متحده تعهدات و روابط غیررسمی با تایوان را به خوبی حفظ کرده است؛ اما قدرت اقتصادی رو به رشد چین، تقویت قابلیت‌های نظامی و افزایش فشار این کشور بر تایوان چالش‌های بزرگی را برای تعهدات امنیتی ایالات متحده در قبال تایپه ایجاد می‌کند. این امر باعث افزایش سطح منازعه میان واشنگتن و پکن در تایوان و تشدید معضل امنیتی در تنگه خواهد شد. بدین ترتیب، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که؛ «آمریکا برای مقابله با چین در تایوان چه راهبردی را پیگیری می‌کند؟» بر اساس فرضیه مقاله، افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین در شرق آسیا علاوه بر تهدید راهبردی برای تایوان از متحدان استراتژیک ایالات متحده در منطقه، موازنه قدرت نظامی را به نفع پکن تغییر داده است. در این رابطه، واشنگتن با هدف جلوگیری از محاصره تایوان توسط چین و عقب راندن این کشور از تنگه، به تقویت بازدارندگی تایوان و فروش تسلیحات و ادوات نظامی به این کشور جهت دفاع از خود روی آورده است؛ در این راستا، ایالات متحده در تلاش است تا با مهار و انزوای پکن در تنگه، موازنه قدرت را به نفع تایوان و متحدان منطقه‌ای خود شکل دهد. این امر ضمن پویایی معضل امنیتی در تنگه، باعث افزایش تنش‌ها و مسابقه تسلیحاتی در شرق آسیا خواهد شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: آمریکا، چین، دریای چین جنوبی، معضل امنیتی، موازنه تهدید.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: hamid.dorj@gmail.com



۱. مقدمه

موضوع تایوان یکی از عوامل اثرگذار بر روابط آمریکا و چین در شرق آسیا است. حمایت ایالات متحده از تایوان، به‌ویژه اختلافات آن با چین بر سر فروش تسلیحات به تایوان و حمایت از استقلال این کشور، همچنان بخش مهمی از اختلافات چین و ایالات متحده در موضوع تایوان است.

دولت چین در طی سالیان متوالی تایوان را همانند هنگ‌کنگ بخش خودمختار از سرزمین اصلی خود می‌داند و با هرگونه حرکت استقلال‌طلبانه سیاسی و حقوقی یا عضویت تایپه در نهادهای بین‌المللی مخالف است. از سویی، آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی از همان سال‌های اعلام خودمختاری تایوان، به دلیل تضاد ایدئولوژیکی موجود با چین و تعقیب منافع خود در عرصه بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی خود از تایوان را آغاز کرد؛ این امر باعث شکل‌گیری تضاد منافع مستقیم ایالات متحده و چین در تایوان و افزایش تنش‌ها و رقابت‌های دو کشور در شرق آسیا شده است.

اخیراً ماهیت اختلافات واشنگتن و پکن بر سر تایوان عمیق‌تر شده است؛ زیرا بسیاری از سیاست‌های ایالات متحده در منطقه، چین را تهدید می‌کند. مخالفت ایالات متحده با استفاده از زور برای حل مناقشه با درک چین از موضوع تایوان به‌عنوان یک مناقشه داخلی در تضاد است و گزینه‌های چین برای مقابله با آن را کاهش می‌دهد. چین نگران است که سیاست‌های ایالات متحده که توانایی تایوان را برای دفاع از خود افزایش می‌دهد، احتمال حرکت تایوان به سمت استقلال را افزایش دهد. به‌طور مشابه، افزایش توانایی ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن برای کمک به تایوان، توانایی چین برای استفاده از زور علیه این کشور را کاهش می‌دهد.

در همین حال، برخی نشانه‌ها حاکی از تشدید معضل امنیتی در تنگه تایوان است؛ زیرا هم ایالات متحده و هم جمهوری خلق چین سیاست‌های خود در قبال تنگه تایوان را تا حدی به‌عنوان واکنشی نسبت به سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه و تهدیدآمیز طرف مقابل تعریف می‌کنند. در واقع، پویایی معضل امنیتی مشخصه روابط بین تنگه تایوان است که این

امر باعث افزایش خصومت‌ها و تنش میان آمریکا و چین بر سر تایوان شده است. چین و ایالات متحده درگیر تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع خود در تایوان بوده‌اند؛ این امر به تشدید رقابت استراتژیک بین دو کشور در منطقه منجر شده است.

به‌طورکلی اعتقاد بر این است که افزایش قدرت نظامی دریایی چین، به‌ویژه قابلیت‌های ضد دسترسی و انکار مستمر آن، نه‌تنها تعادل نظامی در سراسر تنگه تایوان را به هم می‌زند بلکه این امر تهدیدی برای عملیات دریایی ایالات متحده در غرب اقیانوس آرام خواهد بود. بنابراین در شرایط کنونی اقدامات ایالات متحده در قبال چین و تایوان، تابعی از افزایش قدرت و نفوذ چین در منطقه است؛ این امر می‌تواند تهدیدات جدی برای واشنگتن و متحدان آن در شرق آسیا داشته باشد. ازاین‌رو، ایالات متحده با حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از تایوان و فروش تسلیحات و ادوات نظامی به تایپه درصدد موازنه‌سازی قدرت روزافزون چین و مهار و انزوای آن در منطقه است؛ این امر ضمن تشدید معضل امنیتی میان تنگه، می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها و رقابت میان واشنگتن و پکن در منطقه شود.

با توجه به شرایط نظام بین‌الملل و احتمال تشدید رقابت‌های چین و آمریکا در حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف ازجمله تنگه تایوان، موضوع مورد پژوهش از اهمیت بسزایی برخوردار است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که؛ «آمریکا برای مقابله با چین در تایوان چه راهبردی را دنبال می‌کند؟». مقاله حاضر بر اساس نظریه «موازنه تهدید» درصدد پاسخگویی به این سؤال است.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

«فرازی» در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه تایوان در روابط چین و آمریکا، در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ» (۱۳۹۹) استدلال می‌کند که با آغاز جنگ تجاری تعرفه‌ای میان چین و آمریکا، چنین انتظار می‌رفت که دولت ترامپ به‌منظور افزایش فشار بر دولت چین، سیاست‌های آمریکا در قبال تایوان را بازتنظیم کند و از اهرم فشار تایوان در روابط خود با

چین بهره برد؛ لذا دولت ترامپ علی‌رغم مخالفت طرف چینی، قراردادهای فروش تسلیحات را با تایوان امضاء کرد.

«گلشاهی» در کتابی با عنوان «روابط ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین و تایوان بر مبنای استراتژی پیشگیری از جنگ ۲۰۲۲-۲۰۲۰» (۱۴۰۱) اذعان می‌کند که افزایش تحرکات نظامی ارتش آزادی‌بخش جمهوری خلق چین در تنگه تایوان، نقض مکرر حریم هوایی تایوان توسط جنگنده‌های پکن در اکتبر سال ۲۰۲۰ م. و تأکید «شی جینگ پینگ»^۱، رئیس‌جمهوری خلق چین بر قطعیت اتحاد جزیره با سرزمین اصلی در آینده، دوباره تایوان را به‌عنوان یکی از متحدین راهبردی ایالات متحده در آسیای شرقی، در رأس اختلافات فزاینده بین واشنگتن و پکن قرار داده است.

«قربانی شیخ‌نشین» و «حداد زند» در مقاله‌ای مشترک با عنوان «جنگ تجاری چین و آمریکا و پیامد آن بر کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مطالعه موردی ویتنام و تایوان» بیان می‌دارند که جنگ تجاری چین و آمریکا از طریق اعمال تعرفه‌های تجاری و ایجاد محدودیت‌های وارداتی نسبت به یکدیگر به تحول در واردات-صادرات و معاملات تجاری با کشورهای جنوب شرق آسیا به‌ویژه ویتنام و تایوان منجر شده است.

«هاس»^۲ و دیگران در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایالات متحده و تایوان: آیا چالش چین به یک بحران منجر خواهد شد؟» (۲۰۲۳) به بررسی روابط ایالات متحده و تایوان از سال ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۳ م. پرداخته‌اند. آن‌ها برای حل مناقشه تایوان، به استفاده بیشتر از ابزارهای سیاسی به‌جای نظامی تأکید دارند. نویسندگان به سیاست‌گذاران آمریکایی توصیه می‌کنند؛ «فضا را برای تاپه و پکن باز نگه دارند تا راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای اختلافات بین تنگه‌ای بیابند که برای مردم تایوان قابل قبول باشد».

«آلیسا»^۳ مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای روابط ایالات متحده و تایوان بر روابط ایالات متحده و چین در دولت اوباما» (۲۰۲۰) نگارش کرده است. از نظر نویسنده در این پژوهش

1. Xi Jinping

2. Hass

3. Alysa

روابط آمریکا و تایوان از چند جهت بر روابط دوجانبه آمریکا و چین تأثیر گذاشته که این امر به معضل امنیتی مداوم و افزایش تنش و مسابقه تسلیحاتی در آسیا منجر شده است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها موضوع سیاست خارجی ایالات متحده و چین در قبال تایوان را عمدتاً از دریچه ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در حالی که پژوهش حاضر این موضوع را با تکیه بر نظریه موازنه تهدید مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

۲-۲. مبانی نظری؛ موازنه تهدید

نظریه موازنه تهدید در چارچوب کلی «واقع‌گرایی تدافعی» توسط «استفان والت»^۱ نظریه پرداز مشهور مطرح شده است. به عقیده والت، نظریه نظام موازنه تهدید جایگزین موازنه قوا نیست بلکه با هدف افزایش قدرت تبیینی آن مطرح شده است. بر اساس نظریه موازنه تهدید هرگاه دولت‌ها احساس کنند که سایر دولت‌ها موجودیت یا منافع آن‌ها را با تهدید فوری روبه‌رو می‌کنند از طریق اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آن‌ها می‌پردازند (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۹).

به اعتقاد والت، کشورهایی که به‌عنوان «مهاجم» تلقی می‌گردند دیگران را تحریک می‌کنند تا علیه آن‌ها موازنه برقرار کنند. بدین ترتیب، نظریه موازنه تهدید فرض اصلی نظریه «موازنه قدرت» که؛ «دولت‌ها تلاش می‌کنند با ایجاد تعادل در برابر قدرت، از شکل‌گیری یک هژمون بالقوه جلوگیری کنند» را زیر سؤال می‌برد. درواقع این نظریه، دلیل اتحاد کشورها را در برابر یک تهدید درک‌شده، تشریح می‌کند و معتقد است که دولت‌ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود، اتحاد تشکیل می‌دهند. ازاین‌رو، نقطه محوری مباحث والت را می‌توان بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی-سیاسی با هدف ایجاد موازنه در واکنش به احساس تهدید در نظر گرفت. به اعتقاد والت، تهدیدآمیزترین دولت‌ها، ضرورتاً قدرتمندترین دولت‌ها نیستند. وی با این توصیف، بین قدرت و تهدید تمایز قائل شده و بر این باور است که اساس تشکیل اتحادها در سطح بین‌الملل توازن تهدید است؛ نه توازن قدرت (والت، ۲۰۰۸: ۶۳).

توازن در چارچوب نظری والت به ضرورت ترس و نه صرف انباشت قدرت، شکل می‌گیرد. آنچه توازن را ضروری می‌کند نیت خصمانه و بنا به تعبیری «تلاش برای جایگزینی قدرت برتر» است. به تعبیری دیگر، صرف افزایش قدرت چالشگر به تنهایی ایجادگر توازن نیست بلکه ماهیت قدرت کشور در حال صعود است که موازنه را لازم می‌کند؛ لذا معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت است.

در تعریف والت، سعی دولت‌ها افزایش توانمندی نسبی خود در رابطه با دیگر دولت‌ها است؛ در غیر این صورت دولت‌ها به نقطه‌ای می‌رسند که مجبور هستند در برابر متجاوز با قدرت فزاینده تسلیم شوند تا از هزینه‌های غیرضرور یا شکست جلوگیری کنند. به اعتقاد والت کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند بلکه توازن تهدید را مالک قرار می‌دهند. وی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که؛ «دولت‌ها موازنه را نسبت به بزرگ‌ترین تهدیدات علیه امنیت خود اجرا و در پی متعادل نمودن آن‌ها هستند» (آدمی و سینا نورانی، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

والت، اذعان می‌دارد که تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد؛ بر این اساس دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند بلکه از دولتی که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند، می‌ترسند. تهدید به نوبه خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزگرایانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار است؛ به‌علاوه این احتمال وجود دارد که نیت و مقاصد دولت‌ها تغییر کند (جعفری‌ولدانی و پیرهادی، ۱۳۹۵: ۷۳).
والت بر این باور است که؛

❖ محرک اساسی دولت‌ها انگیزش «بقا در آنارشی» است. دولت‌ها هنگامی که با

تهدید مشترکی مواجه می‌شوند، برای بقا دست به اتحاد می‌زنند؛

❖ دولت‌ها از آنجا که تحت یک ساختار آنارشیک بین‌المللی زندگی می‌کنند،

همواره نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد بوده و نگران مخاطرات احتمالی هستند که از

محیط بیرونی امنیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد؛

❖ افزایش ترس دولت‌ها از یک دولت به شکل‌گیری ائتلاف‌های توازن‌بخش منجر می‌شود. دولت‌ها از دولتی بیشتر می‌ترسند که تهدیدآمیزتر تلقی شود (والث، ۲۰۱۳: ۲۰۱).

❖ دولت‌ها در درجه اول نگران امنیت خود هستند؛ از آنجایی که در سیستم بین‌الملل تنها ضامن امنیت هر دولتی میزان قدرت نسبی است، دولت‌ها با حساسیت به افزایش قدرت یکدیگر می‌نگرند و ائتلاف‌ها از تقلای دولت‌ها برای حفظ یا احیای موازنه قدرت سر بر می‌آورند. بنابراین، ائتلاف‌ها ابزارهایی برای تأمین امنیت در سیستم خودیار بین‌المللی هستند. درواقع، هنگامی که دو یا چند دولت با تهدید مشترک قریب‌الوقوع مواجه شوند، برای حفاظت از خود در شکل یک ائتلاف به یکدیگر می‌پیوندند. والث، ائتلاف‌ها یا اتحادها را تعهدات رسمی یا غیررسمی بین دو یا چند دولت برای همکاری امنیتی به‌منظور افزایش قدرت و نفوذ برای تأمین امنیت اعضاء می‌داند (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

مطالعات والث که بر روند اتحادها و اتحادهای قرن بیستم متمرکز است، ثابت کرد که ملت‌ها علیه قدرت نیستند بلکه علیه تهدیدی هستند که متعادل کرده‌اند. هدف آن‌ها ایجاد شرایط لازم برای ثبات، امنیت و تعادل با ایجاد تعادل در برابر کشورهای تهدیدکننده است. بنابراین عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها میزان تهدیداتی است که بازیگران رقیب برای افزایش قدرت و امنیت خود به ضرر سایر کشورها ایجاد می‌کنند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۸۱).

با عنایت به مفروضات نظری مذکور می‌توان بیان کرد که، رشد سریع اقتصادی چین و افزایش قدرت نیروی دریایی این کشور در آب‌های دریای چین جنوبی و شرقی تهدیدی راهبردی برای کشورهای هم‌جوار چین و تایوان محسوب می‌شود؛ این امر باعث حضور گسترده ایالات متحده در شرق آسیا جهت جلوگیری از خیزش روزافزون پکن و برقراری موازنه قدرت به نفع تایوان و متحدان واشنگتن در منطقه شده است. علاوه بر این، معضل امنیتی که واشنگتن و پکن در برخورد با موضوع تایوان با آن مواجه هستند؛ تأثیر بسزایی بر توسعه تنش‌ها و مسابقه عظیم تسلیحاتی در منطقه خواهد داشت.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به توصیف، مطالعه و تجزیه و تحلیل آنچه هست؛ می‌پردازد؛ بر این اساس، از لحاظ روش اجرا از نوع تحقیقات «توصیفی-تحلیلی» است. با عنایت به ماهیت موضوع مورد پژوهش، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. تشدید معضل امنیتی در تنگه تایوان

تداوم توسعه اقتصادی و نظامی چین، در میان سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی نگرانی‌های امنیتی ایجاد کرده؛ این امر به رقابت امنیتی منجر شده است. بر اساس مفروضات موازنه تهدید، دولت‌ها از یکدیگر می‌ترسند و همیشه به دیگران با سوءظن نگاه می‌کنند. همه دولت‌ها دارای نوعی قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که آن‌ها را برای بقای یکدیگر خطرناک می‌کند؛ زیرا می‌توانند یکدیگر را نابود کنند. علاوه بر این، در صورت نیاز به کمک هیچ مرجع متمرکز بالاتری برای محافظت از چین در سیستم بین‌المللی وجود ندارد. اگر چین می‌خواهد در این محیط هرج و مرج زنده بماند؛ باید به خود کمک کند و امنیت خود را تأمین کند.

این جهان خودیاری، دولت‌ها را وادار می‌کند تا توانایی‌های خود را برای زنده ماندن افزایش دهند؛ این مسئله به معضل امنیتی و یک مسابقه تسلیحاتی همیشگی منجر می‌شود. بهبود اقدامات امنیتی، صرف‌نظر از نیت تهاجمی، به واکنش سایر کشورها با اقدامات مشابه منجر می‌شود؛ زیرا تلاش برای افزایش امنیت، یک تهدید بالقوه تلقی می‌شود. از سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰م. وضعیت دریای چین جنوبی بر اساس ادبیات آکادمیک تحت سلطه قاطعیت و پرخاشگری چینی‌ها بوده است (فنگ^۱، ۲۰۱۶: ۱۵۳-۱۵۴). به تعبیر «آلستر

جانستون^۱، قاطعیت به «شکلی از دیپلماسی قاطعانه اشاره دارد که صراحتاً تهدید می‌کند که هزینه‌هایی را بر بازیگر دیگر تحمیل می‌کند که به‌وضوح بالاتر از قبل است» (جانستون، ۲۰۱۳: ۱۰).

در حال حاضر روابط چین و آمریکا با در نظر گرفتن متغیر تایوان دچار معمای امنیت شده است. این وضعیت خطر وقوع جنگ را افزایش داده است. برای چین جلوگیری از استقلال پایدار تایوان از سرزمین اصلی به‌عنوان یک هدف دفاعی تعیین شده است. پکن آمادگی دارد حتی به‌طور نظامی مانع از تغییر وضعیت موجود و اعلام استقلال تایوان شود. آن چیزی که چین به‌عنوان انگیزه دفاعی تعیین کرده، در ایالات متحده به‌عنوان توسعه قابلیت‌های تهاجمی تلقی می‌شود. مقامات پکن به‌نوبه خود ایالات متحده را به مهار کردن چین و تلاش برای جلوگیری از پیشرفت آن متهم می‌کنند.

تجربه تاریخی یک قرن تحقیر (۱۹۴۰-۱۸۴۰)، فرهنگ استراتژیک چین را شکل داده و عنصر مهمی از ملی‌گرایی چین است که ملت و حزب را به‌هم پیوند می‌دهد. در برابر این پیش‌زمینه، روابط بین ایالات متحده و چین، ویژگی‌های یک معمای امنیت سستی را نشان می‌دهد که در آن تلاش هر یک از طرفین برای امنیت بیشتر در نهایت باعث ایجاد ناامنی بیشتر برای دو طرف می‌شود (زارعان و دعاگوی روزبهرانی، ۱۰۴۲: ۲۶-۲۲).

چین برای پیشبرد ادعای ارضی خود در مناقشه دریای چین جنوبی، تلاش‌های متعددی انجام داده است. این امر باعث رویارویی با ایالات متحده، ویتنام و فیلیپین شده است. برخی از شاخص‌های قاطعیت در پهنه آبی دریای چین جنوبی عبارت‌اند از:

- ❖ رویارویی قاطعانه در سال ۲۰۰۹م؛
- ❖ اجبار فیلیپین در جزیره «اسکاربرو شول»^۲ در سال ۲۰۱۲م؛
- ❖ احیای زمین و فعالیت‌های ساخت‌وساز بعدی که در سال ۲۰۱۳م. آغاز شد؛
- ❖ استقرار یک دکل نفتی در سال ۲۰۱۴م. در منطقه انحصاری اقتصادی ویتنام.

برای چین، توسعه و نوسازی نظامی در منطقه ناشی از ضعف تاریخی دریایی این کشور است. از نظر تاریخی، چین بیشتر بر حفاظت از مرزهای آسیب‌پذیر جغرافیایی خود متمرکز بوده که همیشه در معرض تهدیدهای بیرونی مهاجمان خارجی قرار داشته است. موقعیت کنونی چین در نظام بین‌الملل به قرن تحقیر نسبت داده می‌شود؛ زمانی که غرب و ژاپن از طریق معاهدات نابرابر قلمروی وسیعی را به‌دست آوردند. از این‌رو، دریای چین جنوبی یک نگرانی امنیتی دریایی برای چین باقی مانده است. این نگرانی امنیتی خود را در نوسازی سریع نظامی و احیای زمین چین در دریای چین جنوبی نشان داده است (دینه^۱، ۲۰۱۹: ۳۷-۳۶).

شایان ذکر است که تایوان از دیرباز منبع اصطکاک در روابط ایالات متحده و چین بوده است؛ درواقع، پویایی معضل امنیتی در گذشته مشخصه تنگه تایوان بوده است. «توماس کریستنسن»^۲، نزدیک به دو دهه پیش، در نوشتاری درباره معضل امنیتی در تنگه تایوان، بر اهمیت ترکیب تهدیدهای بازدارنده معتبر ایالات متحده با تضمین‌های معتبر مبنی بر عدم حمایت ایالات متحده از استقلال تایوان تأکید کرد. در غیر این صورت، پکن احتمالاً تلاش‌ها برای تقویت قابلیت‌های دفاع شخصی تایوان را به‌عنوان تسهیل جدایی دائمی جزیره از چین می‌داند. استدلال کریستنسن امروزه نیز کاربرد دارد؛ به‌عنوان مثال، پیشبرد اصلاحات بنیادین در چارچوب سیاست قدیمی چین واحد ایالات متحده، تقریباً به‌طور قطع ترس جمهوری خلق چین در مورد نیات ایالات متحده در مورد تایوان را افزایش می‌دهد و در نتیجه، معضل امنیتی در تنگه تایوان را تشدید می‌کند (دی‌لیسل و گلدستون^۳، ۲۰۲۱: ۲۶۴-۲۶۳).

در این راستا، تعاملات ایالات متحده و چین در رابطه با تایوان شبیه یک معضل امنیتی شده است. معضلات امنیتی زمانی به وجود می‌آیند که اقدامات یک دولت برای افزایش امنیت خود (اقداماتی که ممکن است شامل افزایش هزینه‌های نظامی یا بهبود قابلیت‌های

1. Dinh

2. Thomas Christensen

3. deLisle And Goldstein

نظامی آن باشد) باعث کاهش امنیت سایر کشورها شود. اگر این دولت‌ها با برداشتن گام‌هایی برای افزایش امنیت خود پاسخ دهند، می‌تواند احساس ناامنی را در دولت اول تشدید کند. برقراری این نوع پویایی می‌تواند به افزایش رقابت امنیتی (ازجمله مسابقه تسلیحاتی)، افزایش بی‌اعتمادی و در نهایت افزایش خطر درگیری مسلحانه منجر شود. ویژگی کلیدی یک معضل امنیتی این است که در عدم یک حالت کاملاً تهاجمی، کشورهایی که در یک معضل امنیتی محبوس شده‌اند؛ در درجه اول انگیزه دفاعی دارند (لیف و ایکنبری^۱، ۲۰۱۴: ۷۶).

وضعیت تایوان نوعی معضل امنیتی است؛ زیرا پکن به‌طور کامل وضعیت موجود را نمی‌پذیرد و معتقد است که تایوان بخشی از سرزمین خود است و در این میان، اتحاد را اصلاحی در وضعیت موجود می‌کند که صرفاً برای بازگرداندن تمامیت ارضی چین لازم است. به عبارت دیگر، از دیدگاه چین، تغییر وضعیت موجود در راستای دستیابی به امنیت است.

بنابراین، ایالات متحده و چین خود را دنباله‌روی سیاست‌هایی می‌دانند که برای حفظ تمامیت ارضی مشروع طراحی شده است؛ اما آن‌ها در مورد تمامیت ارضی خود اختلاف نظر دارند. هر کشوری بر اساس انگیزه‌های دفاعی خود عمل می‌کند؛ ولی سیاست‌های یکی، دیگری را تهدید می‌کند. با این حال، برخلاف یک معضل امنیتی واقعی، مشکل را نمی‌توان نه با نیروهای کاملاً دفاعی و نه با اعتماد عمیق به اینکه طرف مقابل از نیروهای خود برای زور یا حمله استفاده نمی‌کند، حل کرد؛ زیرا دو کشور اختلاف نظر اساسی دارند (دی‌لیسل و گلدستون، ۲۰۲۱: ۵۹-۶۰).

با این وجود، صرف نظر از اینکه چه چیزی باعث رفتار جمهوری خلق چین می‌شود؛ اجبار فزاینده این کشور علیه تایوان، عامل کلیدی انگیزه درخواست‌ها در واشنگتن برای تقویت همکاری امنیتی ایالات متحده و تایوان بوده است. به عنوان مثال، گزارش سالانه کمیسیون بازرنگری اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و چین در سال ۲۰۱۷م. به کنگره توصیه می‌کند که ایالات متحده از تایوان برای شرکت در مانورهای نظامی و امنیتی

منطقه‌ای به رهبری ایالات متحده دعوت کند؛ این امر می‌تواند به «مقابله با تلاش‌های چین برای محدود کردن فضای بین‌المللی تایوان کمک کند». گزارش ۲۰۱۸م. این کمیسیون نیز به تشریح «تعدیل‌هایی که ایالات متحده می‌تواند در روابط خود با تایوان در واکنش به تغییر وضعیت موجود بین تنگه‌های عبوری از سوی پکن و اتخاذ اقدامات قهری برای فشار بر تایپه انجام دهد»، می‌پردازد.

گزارش راهبردی هند و اقیانوسیه وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۲۰۱۹م. تأکید می‌کند که «مشارکت» ایالات متحده با تایوان «با توجه به کمپین فشار مداوم چین علیه تایوان، حیاتی است»؛ علاوه بر این تأکید می‌کند که «ارتش آزادی‌بخش خلق چین در حال آماده‌سازی برای یک اتفاق احتمالی جهت متحد کردن تایوان با سرزمین اصلی با استفاده زور است».

مقامات بلندپایه در دولت ترامپ توصیه‌های سیاست تایوان خود را به روش‌های مشابهی تنظیم کردند. به عنوان مثال، «جان بولتون»^۱، مشاور سابق امنیت ملی، قبل از ورود به مقام خود، در مقاله‌ای از «وال استریت ژورنال»^۲ خواستار تعهد بسیار قوی‌تر ایالات متحده به تایوان، از جمله استقرار نیرو در این کشور شد. بولتون توصیه‌های خود را به عنوان پاسخی به اجبار فزاینده جمهوری خلق چین علیه تایوان بیان کرد (دی‌لیسل و گلدستون، ۲۰۲۱: ۲۶۰).

پویایی چالش امنیتی برای تنگه تایوان تازگی ندارد و این معضل دوباره در حال ظهور است و به طور بالقوه تشدید می‌شود. اگرچه دولت «تسای اینگ‌ون»^۳ در رویکرد خود به روابط بین تنگه بسیار محتاط‌تر از دولت «چن شوی»^۴ است؛ اما به احتمال زیاد دو عامل در این زمینه مهم بوده است:

❖ اول: افزایش قدرت نظامی جمهوری خلق چین، باعث تشدید رویکرد تهاجمی چین نسبت به تنگه تایوان شده است؛

1. John Bolton

2. Wall street Journal

3. Tsai Ing Wen

4. Chen Shui

❖ دوم: بدتر شدن روابط گسترده آمریکا و چین اعتماد طرفین را تضعیف کرده و ارائه تضمین‌های معتبر در مورد اهداف را برای واشنگتن و پکن دشوارتر می‌کند. پیروزی قاطع تسای اینگون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰م. تایوان سبب شد تا تنگه تایوان همچنان متشنج باقی بماند؛ حتی اگر حزب «کومیتانگ»^۱ در سال ۲۰۲۴م. به قدرت بازگردد تایوان احتمالاً با چالش‌های اساسی در برخورد با چین مواجه خواهد شد (یوان^۲، ۲۰۲۳: ۸۲).

بنابراین، نشانه‌هایی از تشدید معضل امنیتی آمریکا و چین در تنگه تایوان وجود دارد. هر دو طرف تا حدی اقدامات خود را واکنشی نسبت به تغییر وضعیت موجود می‌دانند که توسط طرف مقابل آغاز شده است. علاوه بر این، سیاست‌هایی که هر یک از طرفین به نوبه خود اتخاذ کرده‌اند، واکنش دیگری را در پی داشته است؛ این عوامل پتانسیل تشدید نگرانی‌های امنیتی در طرف دیگر را دارند.

نگرانی‌ها در مورد توانایی‌های نظامی چین برای تهدید و حمله به تایوان روبه‌فزونی است. استراتژی چین این است که بر موازنه نظامی آمریکا در تنگه تایوان غلبه یابد؛ این امر تهدیدی راهبردی برای ایالات متحده و تایوان به‌عنوان شریک استراتژیک واشنگتن در آسیای شرقی محسوب می‌شود. همچنین پکن قصد دارد حس انزوای بین‌المللی تایوان را تشدید کند و از این طریق موازنه قدرت را به ضرر تایپه و رقبای منطقه‌ای خود تغییر و حفظ کند؛ این اقدام باعث حضور گسترده واشنگتن در منطقه و تشدید تنش‌ها و رقابت‌ها در شرق آسیا خواهد شد.

علی‌رغم تداوم تحول پرشتاب موازنه قدرت نظامی در دو سوی تنگه به نفع جمهوری خلق چین، راهبرد آمریکا در میان‌مدت همچنان مبتنی بر حفظ وضع موجود یا بیشینه‌سازی هزینه اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در قبال تایوان از سوی پکن است. از این رو، دولت بایدن در صدد تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای ایالات متحده و ارتقای قدرت واشنگتن در آسیا و

1. Kuomintang

2. Yuan

اقیانوسیه به منظور افزایش بازدارندگی تایپه در برابر حمله جمهوری خلق چین به تایوان است.

۲-۱-۴. منافع متضاد ایالات متحده و چین در تایوان

تایوان در جنوب شرقی سرزمین اصلی چین، روبه‌روی استان «فوجیان» قرار گرفته است؛ این کشور شامل بیش از ۸۰ جزیره کوچک است. بر اساس سرشماری سال ۲۰۲۰م. تایوان ۲۳ میلیون و ۸۱۲ هزار نفر جمعیت دارد و اکنون یک دموکراسی چند حزبی و عملاً یک کشور مستقل است. این کشور دارای یک اقتصاد صنعتی پیشرفته با سرانه تولید ناخالص داخلی چند برابر بیشتر از چین است.

وضعیت تایوان موضوعی پیچیده است؛ زیرا ایالات متحده و چین وضعیت موجود را متفاوت می‌بینند. چین، کشور تایوان را بخش مهمی از سرزمین خود و یک منفعت اصلی یا حیاتی می‌داند که مصمم است آن را تحت کنترل کامل حاکمیت خود درآورد. چین آمادگی خود را برای ورود به جنگ جهت جلوگیری از استقلال تایوان به‌وضوح اعلام کرده است؛ درحالی‌که تایپه از اقداماتی که پکن آن‌ها را تحریک‌آمیز به سمت استقلال می‌داند؛ خودداری کرده است.

بااین‌حال، مشخص نیست که آیا چین برای به‌دست آوردن کنترل کامل تایوان به‌طور نامحدود منتظر خواهد ماند؟ شی جین‌پینگ، در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۹م. اظهار داشت که وضعیت تایوان منعکس‌کننده ضعف چین است و اتحاد مجدد باید بخشی از جوان‌سازی چین باشد: «دو طرف تنگه هنوز به‌طور کامل متحد نشده‌اند که این مسئله زخمی آشکار بر تاریخ چین است و شکاف‌های سیاسی نمی‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود» (باکلی^۱، ۲۰۱۹: ۶).

«رندل شوئلر»^۲، در نقد تبیین تک‌علتی والتز، بیان می‌کند این مفروض که دولت‌ها صرفاً در پی امنیت و به‌تبع آن قدرت هستند؛ چیزی در مورد ترجیحات، اهداف و منافع یا

1. Buckley

2. Randall Schueller

محرك‌های دولت‌ها به ما نمی‌گوید. بنابراین، این اهداف متفاوت دولت‌ها از قدرت‌جویی در سیاست خارجی است که اهمیت می‌یابد و می‌تواند در طول طیفی قرار گیرد که یک‌سوی آن هدف تهدید دیگران و سوی دیگر آن هدف تأمین امنیت دیگران و کمک به آن‌ها جهت دستیابی به اهدافشان است (شولر و همکاران^۱، ۲۰۰۰: ۱۷۷).

تایوان از بسیاری جهات برای چین اهمیت زیادی دارد. ژنرال «داگلاس مک آرتور»^۲، تایوان را «ناو هواپیما بر غرق‌ناپذیر» می‌داند که از طریق آن قدرت‌های خارجی می‌توانند نیروهای خود را در امتداد مرزهای دریایی چین توسعه دهند. موقعیت استراتژیک تایوان همچنین قدرت‌های خارجی را قادر می‌سازد تا یک مهار استراتژیک علیه چین انجام دهند. این جزیره در طول جنگ سرد به عملیات اطلاعاتی ایالات متحده علیه جمهوری خلق چین خدمت کرد؛ این امر نشان می‌دهد اگر تایوان تحت سلطه یک قدرت رقیب باشد، چین چقدر ناامن می‌شود. شکست در کنترل تایوان برای جاه‌طلبی چین جهت تسلط بر دریاهای نزدیک و تبدیل شدن به یک قدرت دریایی جهانی مضر خواهد بود.

پکن از وضعیت موجود ناراضی است و سعی دارد آن را به نفع خود تغییر دهد. دریاهای مجاور مناطق مرفه چین از شمال تا جنوب شامل دریای بوهای، دریای زرد، دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی است. این دریاها به‌عنوان «دریاهای نزدیک» شناخته می‌شوند و مرز چین هستند. دریاهای نزدیک یک «کمر بند استراتژیک دریایی» را برای محافظت از جمعیت چین و اقتصاد شکوفای آن تشکیل می‌دهند. «ژانگ ونمو»^۳، یک استراتژیست چینی پیشنهاد کرده است که اگر چین کنترل مطلق بر تایوان و سایر جزایر در دریای چین جنوبی نداشته باشد؛ نمی‌تواند امنیت مراکز تجاری چین مانند «شنژن»^۴، «شانگهای»^۵ و «گوانگژو»^۶ را تضمین کند (ردشیو^۷، ۲۰۱۸: ۸۱-۸۲).

-
1. Schweller and et.al.
 2. Douglas MacArthur
 3. Zhang Wenmo
 4. Shenzhen
 5. Shanghai
 6. Guangzhou
 7. Raditio

علاوه بر این، اگر چین قادر به کنترل تایوان نباشد، نمی‌تواند جاه‌طلبی خود را برای حکومت بر دریاها در اولین زنجیره جزیره (دریای زرد، دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی) محقق کند. به گفته «لین سیکسینگ»^۱، استاد دانشگاه جینان، سقوط تایوان به دست نیروهای خارجی به معنای دو چیز است:

❖ اول: امنیت برای منطقه ساحلی جنوب شرقی چین وجود ندارد؛

❖ دوم: چین از دسترسی به اقیانوس آرام محروم می‌شود. چین به‌طور دائم در اولین زنجیره جزیره محدود خواهد شد و فرصت تحقق جاه‌طلبی خود برای قدرت دریایی را از دست خواهد داد.

تا زمانی که تایوان تحت کنترل کامل پکن نباشد، استراتژی کنترل دریایی چین نمی‌تواند به‌درستی اجرا شود. همچنین، از آنجایی که تایوان یک منفعت اصلی برای چین محسوب می‌شود؛ اگر پکن قدرت قابل‌توجهی در دریای چین جنوبی نداشته باشد؛ چین نمی‌تواند کنترل خود را بر تاپیه اعمال کند.

استراتژی پکن در دریای چین جنوبی که چین باید برای جلوگیری از استقلال تایوان به‌کار گیرد؛ انکار دریا است. انکار دریا یک استراتژی چینی برای ایجاد دریای چین جنوبی به‌عنوان منطقه ممنوعه برای قدرت‌های خارجی، به‌ویژه ایالات متحده است (یوشیهارا و هلمز^۲، ۲۰۱۸: ۲۱۳). به گفته تحلیلگران بین‌الملل، استقرار ناوهای جنگی آمریکا در آب‌های مورد مناقشه اطراف تایوان جهت جلوگیری از تهاجم احتمالی پکن، گام مهمی است که با دخالت قوی آمریکا در استقرار ناوهای نیروی دریایی توسط چین به‌عنوان یک تهدید خارجی مستقیم برای امنیت این کشور تلقی می‌شود.

موضوع تایوان از همان زمان شروع اختلافات این کشور با چین، منبع بزرگ درگیری بین پکن و واشنگتن بوده است. ایالات متحده و چین طی دهه‌های گذشته چندین بار در مورد تایوان با یکدیگر روبه‌رو شده بودند. مهم‌تر از همه، رویارویی بین ایالات متحده و چین در تنگه تایوان در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۶ م. چین را مجبور به جستجوی قابلیت حمله

1. Lin Sixing

2. Yoshihara And Holmes

دوم کرد. ابتدا دستیابی و سپس تقویت این ظرفیت یکی دیگر از وظایف مهم سیاست دریایی چین شد. پکن به خوبی می‌داند که قابلیت حمله دوم قوی مبتنی بر دریا می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده نهایی علیه ایالات متحده در مورد تایوان و سایر بحران‌ها در آب‌های مورد مناقشه دریای چین جنوبی عمل کند (محبوب^۱، ۲۰۱۸: ۲۱۶-۲۰۷).



نقشه شماره ۱. موقعیت راهبردی تایوان (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲: ۲)

- چین به دلایل زیر از عملیات نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی نگران است:
- ❖ پکن فعالیت‌های نظامی ایالات متحده را یک عملیات اطلاعاتی برای جمع‌آوری داده‌ها در مورد پایگاه زیردریایی هسته‌ای چین در یولین که در ساحل جنوبی جزیره هاینان واقع شده، می‌داند؛
 - ❖ چین نیز این فعالیت‌های ایالات متحده را وسیله‌ای برای مهار خود می‌داند؛
 - ❖ از آنجایی که ایالات متحده توسط قانون روابط تایوان ملزم به مقاومت در برابر هر نوع اجباری است که امنیت تایوان را تهدید می‌کند، فعالیت نظامی ایالات

متحده در دریای چین جنوبی توسط پکن به عنوان مانعی برای تحقق اتحاد خود با سرزمین اصلی تلقی می‌شود.

بنابراین، چین درک می‌کند که محدود کردن دسترسی به فعالیت‌های نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی برای دور کردن تایوان از ایالات متحده بسیار مهم است؛ این امر امکان اتحاد مجدد تایوان برای سرزمین اصلی چین را افزایش می‌دهد. چین، جزیره تایوان را قلمرو قانونی خود می‌داند و این موضع بین اکثر کشورها از جمله ایالات متحده مشترک است. اتحاد مجدد تایوان نیز از اولویت‌های برنامه دفاعی و دیپلماتیک چین است. از این منظر، تأمین امنیت دریای چین جنوبی و اتحاد مجدد تایوان جدایی‌ناپذیر هستند (ردشیو، ۲۰۱۸: ۸۲-۸۳).

اتحادهای در شرایطی از اهمیت و مطلوبیت وجودی برخوردار خواهند بود که تهدید جدی و یا نشانه‌هایی از تهدید آشکار وجود داشته باشد. البته «هر تهدیدی به اتحاد در عرصه بین‌المللی منجر نمی‌شود؛ بلکه تهدیدهایی که موجودیت یا منافع دولت‌ها را به طور جدی تحت الشعاع قرار می‌دهند در شکل‌گیری اتحادهای مؤثر هستند» (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۵). اگر چین بر دریای چین جنوبی مسلط شود؛ برای بازگرداندن تایوان یک قدم جلوتر خواهد بود. از سوی دیگر، اگر تایوان دوباره با چین متحد شود، به چین کمک می‌کند تا کنترل دریای چین جنوبی را به دست آورد.

بر اساس ارزیابی «هیو وایت»^۱، ارتش چین دستاورد این کشور را به چالش جدی برای ایالات متحده تبدیل کرده است. تحولات کلیدی در این زمینه عبارت‌اند از:

❖ اول: چین صاحب زیردریایی‌های حمله هسته‌ای است که لزوماً پیشرفته‌تر از ایالات متحده نیستند بلکه به اندازه کافی برای به چالش کشیدن عملیات ایالات متحده در ساحل شرقی آسیا مهم هستند؛

❖ دوم: چین ناوگان بزرگی از هواپیماهای جنگی با تکیه بر فناوری شوروی را ایجاد کرده که برای دفاع از حوزه دریایی خود در نظر گرفته شده است. این ناوگان مانع از تسلط هواپیماهای آمریکایی بر تنگه تایوان می‌شود؛

❖ سوم: چین موشک‌های بالستیک ضد کشتی برای حمله به ناوهای هواپیمابر ساخته است؛

❖ چهارم: چین سیستم نظارتی خود را ارتقا داده که می‌تواند عملیات کشتی‌های جنگی ایالات متحده را در دریاهای نزدیک خود هدف قرار دهد (وایت، ۲۰۱۳: ۹۷).

این تحولات به دلیل ادعای حاکمیتی چین در دریای چین جنوبی، یک چالش بزرگ برای ایالات متحده محسوب می‌شود.

در مقابل، ایالات متحده بر فرایندی که از طریق آن تغییرات در وضعیت موجود حاصل می‌شود، تأکید کرده و اصرار دارد که این تغییرات از طریق اجبار یا استفاده واقعی از زور به‌دست نمی‌آید. موضع رسمی ایالات متحده این است که هر قطعنامه‌ای را که به‌صورت مسالمت‌آمیز به‌دست آید، می‌پذیرد. ایالات متحده متعهد به دفاع از تایوان است. سیاست این کشور از «ابهام استراتژیک» در دهه ۱۹۹۰ به نوعی «بازدارندگی دوگانه» تبدیل شده است که در آن «ایالات متحده به‌طور ضمنی به پکن هشدار داد که در صورت حمله غیرقابل‌تحریک از تایوان دفاع خواهد کرد و تلویحاً به تایپه هشدار داد که اگر تایوان درگیری را برانگیخت، مورد حمایت واشنگتن قرار نخواهد گرفت».

طبق قانون روابط ایالات متحده و تایوان، واشنگتن به فروش تسلیحات به تایوان ادامه می‌دهد. اگرچه ایالات متحده در مورد حل نهایی وضعیت تایوان موضعی اتخاذ نمی‌کند؛ اما سیاست‌های ایالات متحده با منافع چین در تضاد است و چین مدت‌هاست که به آن‌ها این‌گونه نگاه می‌کند (دی‌لیسل و گلدستون، ۲۰۲۱: ۵۹).

جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، به مناسبت چهل‌ودومین سالگرد تصویب قانون روابط با تایوان در مجلس سنای آمریکا، در ژوئن ۲۰۲۱م. هیئتی غیررسمی را به نشانه تعهد آمریکا به تایوان در اختلافات این جزیره کوچک با پکن، روانه تایوان کرد.

به‌طورکلی، آمریکا اهداف خود در این منطقه را با مجموعه‌ای از اقدامات نظامی پیگیری می‌کند:

- ❖ حضور گسترده دریایی؛
- ❖ افزایش همکاری دریایی با متحدان در منطقه؛
- ❖ گشت‌زنی هماهنگ با کشورهای متحد در دریای چین جنوبی و مناطق پیرامونی آن؛
- ❖ تمرینات و رزمایش مشترک با کشورهای متحد.

علاوه بر این، آمریکا در سال‌های اخیر پایگاه‌های نظامی در کشورهای سنگاپور، فیلیپین و ویتنام تأسیس کرده است. در همین راستا، مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند؛ «قرن بیست‌ویکم، قرن اولویت آسیا و اقیانوس آرام برای آمریکاست» (پیکیتو^۱، ۲۰۲۴: ۵).

درحالی‌که سیاست ایالات متحده به نتایجی منطبق با ترجیحات چین اجازه می‌دهد؛ اما واشنگتن و پکن به‌طور کامل در مورد نتایج قابل‌قبول برای تایوان توافق ندارند. ایالات متحده متعهد به حمایت از وضعیت موجود است که چین آن را غیرقابل‌قبول می‌داند. نتیجه امر این است که ایالات متحده و چین تضاد منافع مستقیم دارند البته نه آن‌قدر کامل که گویی ایالات متحده امکان اتحاد را رد کرده است. هم‌اکنون ماهیت این اختلاف عمیق‌تر شده است؛ زیرا بسیاری از سیاست‌های ایالات متحده، مقامات چین را تهدید می‌کند.

مخالفت ایالات متحده با استفاده از زور برای حل مناقشه با درک چین از موضوع تایوان به‌عنوان یک مناقشه داخلی در تضاد است و گزینه‌های چین برای مقابله با آن را کاهش می‌دهد. چین، نگران است که سیاست‌های ایالات متحده که توانایی تایوان را برای دفاع از خود افزایش می‌دهد، احتمال حرکت تایوان به سمت استقلال را افزایش دهد. به‌طور مشابه، افزایش توانایی ایالات متحده و متحدانش برای کمک به تایوان، توانایی چین برای فشار بر تایوان را کاهش می‌دهد (بوش^۲، ۲۰۱۳: ۲۱۵).

ایالات متحده گزینه‌های سیاسی کمی دارد که از دیدگاه چین تهدیدآمیز نمی‌باشد؛ زیرا ایالات متحده از سرزمینی دفاع می‌کند که چین آن را متعلق به خود می‌داند. ایالات متحده احتمالاً وضعیت موجود را در آینده نامعلوم، قابل قبول می‌داند. چین وضعیت موجود را غیرقابل قبول می‌داند؛ اگرچه از توسل به زور برای تغییر آن خودداری کرده است. در این شرایط پیچیده، توانایی‌های تایوان، آمریکا و متحدانش برای دفاع از تایوان، منافع چین در تاییه را تهدید می‌کند. این وضعیت یک معضل امنیتی نیست؛ حداقل آن‌طور که به صورت معمولی می‌شود. در یک وضعیت معضل امنیتی استاندارد، هر دو کشور راضی خواهند بود و اگر هر کشوری مطمئن شود که کشور دیگر از نیروهای نظامی خود برای حمله استفاده نمی‌کند، مشکل حل می‌شود؛ به این معنا که تایوان می‌تواند اعلام استقلال کند و چین نمی‌تواند پاسخ دهد، به این دلیل که اگر انتظار طولانی‌تری برای موافقت تایوان جهت اتحاد غیرقابل قبول بود؛ چین را از استفاده از زور برای تغییر وضعیت موجود باز می‌دارد (دی‌لیسل و گلدستون، ۲۰۲۱: ۵۹-۶۰).

۳-۱-۴. رقابت راهبردی ایالات متحده با چین در تایوان

آنچه دولت‌ها را به رقابت و موازنه‌سازی ترغیب می‌کند؛ نه صرف میزان قدرت هر یک از آن‌ها بلکه برداشت آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است. از نظر والت، دولت‌ها به دو دلیل روش موازنه را انتخاب می‌کنند:

❖ کشورها تلاش می‌کنند قبل از اینکه بقایشان توسط قدرتی بالقوه به خطر بیفتد، موازنه ایجاد کنند؛

❖ پیوند با طرف ضعیف‌تر تأثیرگذاری عضو جدید درون اتحاد را به این خاطر افزایش می‌دهد که طرف ضعیف نیازمند کمک است.

یکی از مباحث مهم در موازنه تهدید، جستجوی امنیت است. دولت‌ها در برابر قدرت تهدیدگر تلاش می‌کنند امنیت نسبی خود را افزایش دهند. بر این اساس، دولت‌ها فقط افزایش امنیت را می‌خواهند و تنها زمانی در جهت گسترش قدرت خود تلاش می‌کنند که احساس ناامنی کنند. اگر کشوری قصد برهم‌زدن امنیت و موازنه را داشته باشد؛ سایر کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید

نمایند (والث، ۲۰۱۳: ۱۳۱)؛ این امر می‌تواند باعث تقابل‌جویی‌ها و افزایش رقابت کشورها بر سر اهداف و منافع آن‌ها شود. مبارزه چین و آمریکا بر سر تایوان مستلزم ارزیابی دقیق اهمیت استراتژیک این جزیره برای پکن و واشنگتن است. اهمیت استراتژیک این منطقه عبارت‌اند از:

❖ دولت چین تنگه تایوان را برای تأمین و تضمین امنیت ملی و حاکمیت خود غیرقابل‌انکار می‌داند. استراتژیست‌های چینی معتقدند که بازپس‌گیری کنترل تایوان برای محافظت از پکن در برابر مهاجمان تاریخی بسیار مهم است. به‌عنوان مثال، در تاریخ مدرن، زمانی که ژاپن در طول جنگ جهانی دوم تلاش کرد به چین حمله کند؛ حمله خود را از تایوان آغاز کرد. به همین ترتیب، پس از شروع جنگ داخلی چین از سال ۱۹۴۶ الی ۱۹۴۹م. ملی‌گرایان شکست‌خورده که به تایوان گریختند از این جزیره به‌عنوان پایگاهی برای مبارزه با چین استفاده کردند (آلیسون^۱، ۲۰۱۷: ۱۱۳).

❖ جزیره تایوان یک موقعیت استراتژیک در اقیانوس آرام دارد که بین دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی قرار دارد و تنگه تایوان را کنترل می‌کند که هر دو دریا را به هم متصل می‌کند. در نتیجه، این تنگه یک مجرای استراتژیک برای حمل‌ونقل، نفت، انرژی و تجارت است. هر کسی که تایوان را کنترل کند؛ تنگه را کنترل می‌کند. کنترل چین بر این جزیره به این کشور اجازه می‌دهد که هم دریاهای و هم تنگه را کنترل کند و به آن اجازه می‌دهد منابع انرژی ژاپن و کره جنوبی، دو دشمن پکن و متحدان مهم ایالات متحده در اقیانوس آرام هند را کنترل کند. بنابراین، کنترل جزیره توسط چین، این کشور را قادر می‌سازد تا آمریکایی‌ها را پس از برچیدن پایگاه‌های نظامی خود از منطقه هند و اقیانوس آرام از شرق آسیا بیرون کند و اختلافات مرزی در دریای چین جنوبی را حل کند. از دیدگاه

آمریکا، این اقدام گامی تعیین‌کننده در ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی و کاهش نفوذ جهانی ایالات متحده خواهد بود.

❖ اهمیت استراتژیک تایوان از برتری تکنولوژیکی آن در تراشه‌های پیشرفته ناشی می‌شود. تایوان خانه برخی از مهم‌ترین کارخانه‌های جهان است که فناوری‌های پیشرفته در زمینه‌های ارتباطات، رایانه و نیمه‌رساناها را تولید می‌کند؛ این فناوری‌ها در صنایع نظامی و غیرنظامی بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. از این رو، کشوری که بر تایوان حکمرانی می‌کند، پیچیده‌ترین فناوری‌های جهان را کنترل می‌کند. در صورتی که چین کنترل جزیره را به‌دست آورد، می‌تواند به‌طور تصاعدی فن‌آوری و قابلیت‌های صنعتی خود را تقویت کند و جایگاه خود را به‌عنوان یک ابرقدرت افزایش دهد. سیاست‌گذاران چین با درک سهم قابل‌توجه چنین فناوری‌هایی در نوسازی سیستم‌های دفاعی، تولید نیمه‌هادی‌ها را برای تقویت صنعتی سازی دفاعی بومی به شدت افزایش دادند (ماهر^۱، ۲۰۲۳: ۵).

تا جایی که به ناتو و آمریکا مربوط است، منابع عرضه انرژی به شدت با امنیت ملی، توسعه و قدرت نظامی چین در ارتباط است. اگر عرضه نفت چین در زمان جنگ قطع شود یا به تأخیر افتد، چین در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌گیرد و می‌تواند به‌طور بالقوه فلج و خفه شود. یک دیوار محاصره در اطراف چین به چنین هدفی کمک می‌کند. تنگه تایوان و تنگه مالاکا دارای اهمیتی ژئوراهبردی برای انتقال نفت و منابع به چین هستند. هر کشوری که بر هر دو تنگه راهبردی نظارت داشته باشد، جریان انرژی به چین را در شرایط کنونی کنترل می‌کند. در صورتی که این تنگه‌ها مسدود شوند و جریان تردد تانکرهای نفتی به چین متوقف شود یا به تأخیر افتد، این ضربه‌ای شدید به چین خواهد بود؛ درست مشابه اینکه تنگه هرمز در خلیج فارس توسط ایران در زمان جنگ بسته شود؛ این اقدام یک ضربه راهبردی به آمریکا و اروپا خواهد بود.

بسیار اتفاق می‌افتد که نیروی دریایی آمریکا بر این مسیرهای دریایی کشتیرانی مسلط شود. پنتاگون و نیروی دریایی آمریکا، دائماً بر تنگه‌های تایوان و مالاکا نظارت می‌کنند.

به علاوه، آمریکا شبکه‌ای از ائتلاف‌های نظامی در اطراف این آبراهه‌های مهم در اقیانوس هند ایجاد کرده است. تا زمانی که چین یک مسیر امن انرژی دارد که تحت نظارت این کشور نیست و توسط آمریکا نظارت و کنترل می‌شود، همچنان در مقابل نیروی دریایی آمریکا آسیب‌پذیر است.

سنگاپور و تایوان به شدت به واشنگتن نگاه نظامی دارند. این کشورها به تجهیزات نظامی مجهز شده‌اند تا نظارت نظامی خود را بر این آبراهه‌های حیاتی که تحت سناریوی جنگ بین آمریکا و چین قرار دارد، اعمال نمایند. سنگاپور و تایوان، با ایجاد ائتلاف با نیروی دریایی آمریکا، دارای برنامه‌های احتمالی جهت بستن ترافیک نفتی در رسیدن به چین هستند (درج و فلاح‌پیشه، ۱۳۹۸: ۵۲-۵۱).

از زمان ورود باراک اوباما به کاخ سفید در سال ۲۰۰۸م، این تصور در میان سیاست‌گذاران ایالات متحده وجود داشته که برتری ایالات متحده به دلیل افزایش قاطعیت چین در دریای چین جنوبی همراه با تمایل روسیه برای دستیابی به منافع سیاسی در اوکراین به خطر افتاده است. در نتیجه، ایالات متحده محوری متمرکزتر به سمت آسیا را پیگیری کرد؛ تا جایی که در زمان اوباما، واشنگتن از سیاستی مبتنی بر تعادل فراساحلی برای مقابله با افزایش چین حمایت می‌کرد. اولویت‌های اوباما با به ارث بردن یک اقتصاد در رکود، علاوه بر دو جنگ برون‌مرزی در عراق و افغانستان و انبوهی از چالش‌ها در منطقه آسیا-اقیانوسیه، نجات اقتصاد ایالات متحده از یک بحران مالی ویرانگر و رویارویی با قاطعیت چین بود (ماهر، ۲۰۲۳: ۷).

سیاست تعادل مجدد اوباما توسط برخی از محققان به عنوان شاهی بر عدم تمایل به مشارکت در سطح جهانی تفسیر شد. با این حال، این رویکرد برای ایجاد توازن مجدد در آسیا بود که با استراتژی دیرینه ایالات متحده سازگار است که با مهار افزایش قاطعیت چین در دریای چین جنوبی، سخت تلاش کرده تا منافع استراتژیک خود را تضمین کند.

با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا و برای اطمینان از دوام برتری ایالات متحده، واشنگتن استراتژی هژمونیک خود را با تشدید جنگ اقتصادی با چین از منشور

یک‌جانبه‌گرایی و درعین‌حال ازسرگیری محاصره تکنولوژیکی بر چین و تشدید تنش بر سر تایوان، گسترش داد. سیاست ترامپ در قبال چین مبتنی بر ایدئولوژی «اول آمریکا» بود که رویکرد کلی سیاست خارجی وی را مشخص کرد. بااین‌حال، در جبهه ژئوپلیتیک، تایوان در سیاست ترامپ در قبال چین برجسته بود و سیاست تایوان به همراه روایت‌های تند و تعرفه‌ها به بخشی از رویکرد تقابلی ترامپ در رابطه آمریکا و چین تبدیل شد (کوهن^۱، ۲۰۲۱: ۳). اقدامات ترامپ در این زمینه عبارت‌اند از:

- ❖ ترامپ همچنان محاصره تکنولوژیکی چین را حفظ کرد؛
 - ❖ حضور نیروی دریایی ایالات متحده در دریای چین جنوبی را از طریق فعالیت‌های «آزادی ناوبری» تقویت کرد؛
 - ❖ قانون سفر تایوان را تصویب کرد؛ این قانون به مقامات عالی‌رتبه از ایالات متحده و تایوان اجازه می‌داد بین دو کشور سفر کنند؛
 - ❖ از نظر فروش تسلیحات، ترامپ سیاست اواما در فروش تسلیحات به تایوان را متوقف کرد. ترامپ در طول چهار سال ریاست‌جمهوری خود ۱۱ اعلانیه جداگانه برای فروش تسلیحات به تایوان صادر کرد؛
 - ❖ دولت ترامپ با ممنوعیت شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان و سامسونگ از تولید تراشه‌های پیشرفته برای شرکت‌های چینی در لیست موجود ازجمله هواوی، محاصره تکنولوژیکی پکن را تشدید کرد.
- تصمیمات ایالات متحده در مورد فروش تسلیحات به تایوان - که به تاپیه نسبت به تعهدات واشنگتن اطمینان می‌دهد؛ اما در عین حال پکن را عصبانی می‌کند - منعکس‌کننده محاسبات ژئواستراتژیک گسترده‌تر ایالات متحده در اقیانوس آرام و رقابت استراتژیک فزاینده با چین است (ماهر، ۲۰۲۳: ۹).

آمریکا هدف اصلی خود را از فروش جنگ‌افزار به تایوان ارتقای چتر امنیتی این کشور در برابر تهاجمات خارجی و بی‌ثباتی‌های ناشی از کارکرد مؤلفه‌های منطقه‌ای می‌داند. این در حالی است که مقامات چین در فرصت‌های مختلف این اقدام آمریکا را

مداخله در امور داخلی چین دانسته و آن را عامل بی‌ثبات‌کننده امنیت داخلی چین می‌دانند. این حوزه چالش‌برانگیز امنیتی در روابط دوجانبه به برخی الگوهای تعارضی دیگر نیز منجر شده است. چنانکه در سال‌های اخیر مقامات چینی با تدوین برنامه‌های خاص، نوسازی و توسعه نیروی نظامی خود را در دستورکار قرار داده و ضمن واردات تسلیحات متعارف، تحرکات خاصی را نیز به برنامه اتمی خود بخشیده‌اند؛ این امر در فرصت‌های گوناگون با انتقادات مقامات آمریکایی مواجه شده است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

با به قدرت رسیدن جو بایدن در آمریکا در ژانویه ۲۰۲۱م، این کشور استراتژی خود را برای تضعیف چین از طریق بازگشت به چندجانبه‌گرایی در حوزه‌های انتخابی و رقابت ژئوپلیتیکی از راه دور شدت بخشید. بنابراین، علی‌رغم همکاری ایالات متحده با چین در حوزه‌های منافع مشترک مانند تجارت و تغییرات آب‌وهوایی، پس از آنکه دولت بایدن شرکت‌های فناوری آمریکایی را که بودجه فدرال به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار با هدف ایجاد صنعت نیمه‌رسانای محلی در ایالات متحده آمریکا دریافت می‌کردند، از ایجاد تأسیسات فناوری پیشرفته در چین به مدت ۱۰ سال منع کرد، رقابت ژئوپلیتیکی واشنگتن با پکن بر سر تایوان تشدید شد (کاخ سفید^۱، ۲۰۲۲: ۵).

از یک طرف، چین در پی الحاق تایوان به انحصار فناوری‌های تراشه‌های پیشرفته تولید شده توسط شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان است که به چینی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها از نظر اقتصادی، فنی و نظامی برتری استراتژیک می‌دهد. از سوی دیگر، ایالات متحده از تهاجم چین به تایوان می‌ترسد که پیشرفته‌ترین تراشه‌های جهان را به پکن واگذار کند؛ لذا بایدن تهدید کرد که در صورت حمله چین به تایوان، ایالات متحده پاسخ نظامی خواهد داد.

گزارشی در کالج جنگ ارتش ایالات متحده، استراتژی «لانه شکسته» را برای بازدارندگی چین از حمله به تایوان بدون تهدید به جنگ قدرت‌های بزرگ با طراحی بسته بازدارندگی پیشنهاد می‌کند که تایوان را در صورت تصرف با زور، غیرجذاب و به‌طور

هم‌زمان از نظر اقتصادی بی‌اثر می‌کند. بر اساس پیشنهاد «مک‌کینی»^۱ و «هریس»^۲ تایوان باید تأسیسات تراشه‌سازی شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان را که مهم‌ترین تأمین‌کننده صنایع چینی است، تهدید کند تا در صورت تهاجم، صنایع پیشرفته این کشور متوقف شوند. مسلماً این دلیل خوبی است که احتیاط چین را برای حمله نکردن به تایوان با وجود اختلافات فزاینده با واشنگتن توضیح می‌دهد. با این وجود، مبارزه برای دستیابی به تراشه تنها یک رویارویی تأخیری با چین است.

به عبارت دیگر، مبارزه بر سر تراشه‌های تایوان برای تضعیف چین می‌تواند موجی از رویارویی با پکن باشد؛ اما این اقدام در نهایت مانع از برخورد نمی‌شود. دولت بایدن پس از تصویب قانون «تراشه و علم» در سال ۲۰۲۲ م. برای ساخت کارخانه تولید تراشه‌های تایوانی در ایالات متحده آمریکا، با انتقال دانشمندان بخش تحقیق و توسعه شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان به آمریکا، با پشتکار توانست مبارزه بر سر تولید تراشه‌ها را برای ایجاد انگیزه در چین جهت حمله به جزیره تشدید کند (ماهر، ۲۰۲۳: ۹).

تایوان، هارتلند جهان مبتنی بر تکنولوژی‌های جدید است که از آن به عنوان قلب تپنده جهان رو به تله متریکی شدن یاد می‌شود. ۹۰ درصد از ظرفیت تولید پیشرفته‌ترین نیمه‌هادی‌های جهان در تایوان واقع شده است. بزرگ‌ترین تولیدکننده تراشه جهان یا شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان از ۶ درصد کل انرژی جزیره استفاده می‌کند. ارزش صنعت نیمه‌هادی تایوان ۱۴۷ میلیارد دلار است که معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. به طور مشابه، چین درصدد دستیابی به استقلال فناوری است؛ زیرا بخش فناوری این کشور عمدتاً به تراشه‌های خارجی متکی است. پکن، استراتژی بومی‌سازی خود را در یارانه‌های بزرگ تولید و تحقیق و توسعه متمرکز کرده است؛ لذا یکی از دلایل اهمیت روزافزون تایوان برای چین می‌تواند در این گزاره نهفته باشد (پیکوتو، ۲۰۲۴: ۶).

اگرچه چین تلاش‌های آمریکا برای تضعیف صنایع فناوری نظامی خود را به رسمیت می‌شناسد اما به دلیل پیامدهای جدی آن نمی‌تواند این اقدام را انجام دهد. با وجود

1. McKinney

2. Harris

تحریم‌های آمریکا، پکن به دیپلماسی متوسل شد اما اثری نداشت. ازاین‌رو، پکن از طریق به‌راه‌انداختن جنگ اقتصادی علیه ایالات متحده با استفاده از بیماری همه‌گیر کرونا برای فشار بر اقتصاد آمریکا و محاصره جزیره، واکنش‌های مختلفی نشان داد. رقابت شدید ایالات متحده با چین بر سر تایوان احتمالاً تشدید خواهد شد. بعید است که دولت بایدن «ناو هواپیما بر غرق نشدنی» خود را با توجه به ارزش استراتژیک بدون تردید تایوان (همان‌طور که «مک‌آرتور»^۱ به آن اشاره کرد که بخشی از سیاست مهار ایالات متحده در دوران جنگ سرد بود) کنار بگذارد.

از آنجایی که پکن تنگه تایوان را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین اصلی چین و استان بیست‌وسوم این کشور می‌داند که باید به حاکمیت چین بازگردد؛ بنابراین ژئوپلیتیک برای حفظ برتری آمریکا کلیدی است و این کشور از توسعه حضور نظامی خود در این منطقه استراتژیک چشم‌پوشی نخواهد کرد. ازاین‌رو، رقابت بین واشنگتن و پکن تشدید خواهد شد؛ زیرا این امر در نهایت تعیین می‌کند که کدام طرف باید در رقابت ژئوپلیتیکی پیروز شود (یائو،^۲ ۲۰۲۱: ۳۰). در نتیجه، رویارویی و مقابله‌جویی بین ایالات متحده و چین در موضوع تایوان نتیجه تضادهای ساختاری آشکار بین چین و ایالات متحده است.

واکنش آمریکا به تهدیدات چین علیه تایوان باید در چارچوب گسترده‌تر تشدید رقابت استراتژیک چین و آمریکا درک شود؛ جایی که دولت بایدن تشخیص داده که «چین تنها رقیب است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای پیشبرد این هدف را دارد». این ارزیابی همچنین بر اهمیت استراتژی آزاد و باز هند و اقیانوس آرام متمرکز است که نشان‌دهنده تلاش‌های واشنگتن در همسویی منابع منطقه‌ای در برابر چینی است که به‌طور فزاینده‌ای در منطقه هند و اقیانوسیه مدعی می‌باشد.

زیربنای مفهومی این استراتژی به اواخر دوره ریاست جمهوری او‌باما برمی‌گردد؛ زمانی که شناخت فزاینده‌ای از چالش‌های چین برای منافع ایالات متحده در منطقه به وجود آمد.

-
1. MacArthur
 2. Yao

دولت ترامپ این سیاست را در قبال پکن، از طریق جنگ تجاری و اعمال محدودیت‌ها بر شرکت‌های فناوری چین، تا تقویت ترتیبات امنیتی منطقه‌ای مانند گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی، تشدید و آشکارتر کرد. شیوع بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ روابط دوجانبه چین و آمریکا را بدتر کرد. دولت بایدن نیز رویکرد افراطی ترامپ در قبال چین را به ارث برده است.

«کرت کمبل»^۱، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور منطقه هند و اقیانوس آرام، ادعا کرد که سیاست تعامل با چین - که واشنگتن در چهار دهه گذشته انجام داده بود - در حال پایان است. پنتاگون با اشاره به قاطعیت فزاینده پکن در اقیانوس آرام، فعالیت‌های اجبارآمیز چین در اطراف تنگه تایوان را تحریک‌آمیز می‌داند: «خطر اشتباه محاسباتی است و صلح و ثبات را تهدید می‌کند»؛ در نتیجه، تایوان را در اولویت اصلی ارتش آمریکا قرار می‌دهد (یوان، ۲۰۲۳: ۸۲-۸۳).

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱م. آمریکا، انگلیس و استرالیا یک توافقنامه امنیتی سه‌جانبه موسوم به «پیمان آکوس»^۲ را اعلام کردند. به موجب این توافقنامه ایالات متحده و بریتانیا از دستیابی استرالیا به یک زیردریایی مسلح متعارف با انرژی هسته‌ای حمایت خواهند کرد. درحالی‌که این ابتکار بلندپروازانه بیش از یک دهه طول می‌کشد تا به ثمر بنشیند؛ در صورت موفقیت‌آمیز بودن، بازدارندگی تایوان را تقویت کرده و در طی حوادث احتمالی تایوان تفاوت ایجاد می‌کند. در این میان، ایالات متحده بازدید از بندر زیردریایی هسته‌ای خود را از استرالیا افزایش خواهد داد و حضور چرخشی زیردریایی‌ها را در نزدیکی پرت^۳ (از شهرهای ساحلی استرالیا) ایجاد خواهد کرد. به‌طور جداگانه، ایالات متحده و استرالیا برای پیشبرد مهمات و سوخت در استرالیا برای حمایت از توانایی‌های ایالات متحده توافق کرده‌اند. در مجموع، این گام‌ها توانایی ایالات متحده برای پاسخ به اقدامات جمهوری خلق چین علیه تایوان را افزایش می‌دهد. متعاقباً، بیانیه مشترک ماه می ۲۰۲۳م. بین بایدن و

1. Kurt Campbell

2. AUKUS

3. Perth

«مارکوس جونیور»^۱، رئیس‌جمهور فیلیپین، «اهمیت حفظ صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان به‌عنوان عنصر ضروری امنیت و رفاه جهانی» را تأیید کرد (گوردون و همکاران^۲، ۲۰۲۳: ۶۸-۶۹).

تجارت دوجانبه ایالات متحده و تایوان در سال ۲۰۲۲م. به میزان ۱۲۴ میلیارد دلار بود که تایوان را در میان ده شریک تجاری برتر ایالات متحده قرار داد. در سال‌های اخیر، تعاملات سطح بالا بین ایالات متحده و تایوان بیشتر شده که شامل دیدار مقامات در سطح کابینه ایالات متحده و هیئت‌های متعدد کنگره از تایوان است. با سفر بحث‌برانگیز «نانسی پلوسی»^۳، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در ۲ اوت ۲۰۲۲م، چین با برگزاری بزرگ‌ترین مانورهای نظامی در تنگه تایوان به آن پاسخ داد که تهدیدی جدی برای این جزیره بود (سواستوپولو^۴، ۲۰۲۲: ۶).

درحالی‌که ایالات متحده همچنان قدرت نظامی غالب خود را در منطقه آسیا و اقیانوسیه حفظ کرده است؛ رشد سریع اقتصادی چین و پیشرفت قابل‌توجه نوسازی نظامی این کشور، قدرت نظامی واشنگتن را به‌طور فزاینده‌ای به چالش کشیده است. چین که به‌طور فزاینده‌ای قدرتمند تحت رهبری شی جین‌پینگ قرار دارد؛ بیشتر بر دستورکار اتحاد مجدد خود با تایوان متمرکز است. بدین ترتیب، افزایش تهدیدات روزافزون پکن در منطقه چالشی جدی برای تایوان و ایالات متحده ایجاد می‌کند (کو^۵، ۲۰۲۳: ۶). دریا سالار «رابرت ویلارد»^۶، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در اقیانوس آرام، استدلال کرده که دگرگونی سریع چین در نیروهای نظامی خود «بر توازن نظامی منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد و پیامدهایی فراتر از منطقه آسیا و اقیانوسیه دارد».

-
1. Marcus junior
 2. Gordon And Others
 3. Nancy Pelosi
 4. Sevastopulo
 5. Kuo
 6. Robert Willard

روابط ایالات متحده و چین حاوی عناصر رقابت و همکاری است. یکی از پایدارترین عوامل تحریک‌کننده، فروش تسلیحات ایالات متحده به تایوان است. کنگره ایالات متحده از طریق قانون روابط تایوان، وزارت دفاع را موظف کرده که تایوان را با تسلیحات دفاعی و حفظ ظرفیت ایالات متحده برای مقاومت در برابر هرگونه توسل به زور یا سایر اشکال اجباری که امنیت و سیستم اجتماعی و اقتصادی مردم تایوان را به خطر می‌اندازد، حفظ کند. تا زمانی که پکن و تایپه به یک راه‌حل سیاسی مسالمت‌آمیز دست نیابند، مسئله تایوان همچنان یک عامل تحریک‌کننده در روابط چین و آمریکا باقی خواهد ماند. در این رابطه، «کاستنر»^۱ استدلال می‌کند که موضوع تایوان در حال تبدیل شدن به نسخه جدی‌تر از معضل امنیتی است که مدت زیادی در روابط ایالات متحده و چین ایجاد شده است (تایر^۲، ۲۰۱۰: ۷۲).

بایدن در مناسبت‌های مختلف پیشنهاد کرده که اگر چین به دموکراسی جزیره حمله کند، ایالات متحده به دفاع از تایوان خواهد پرداخت؛ اما اظهارات وی توسط کارکنان کاخ سفید که معتقدند تغییری در سیاست فعلی واشنگتن در این جزیره رخ نخواهد داد، نادیده گرفته شد. در واقع، همان‌طور که «الی راتنر»^۳، دستیار وزیر دفاع آمریکا در امور امنیتی هند و اقیانوس آرام، اشاره کرد: «تغییر در سیاست اعلامی ایالات متحده به‌طور معناداری بازدارندگی را تقویت نمی‌کند» (راتنر^۴، ۲۰۲۴: ۱۲-۱۳).

اگر چین برای حمله به تایوان تلاش کند، مزیت جغرافیایی و زرادخانه موشکی گسترده آن، توانایی ایالات متحده برای پاسخگویی مؤثر را کاهش خواهد داد. به همین جهت ایالات متحده و تایوان بر اساس استراتژی دفاعی «خارپشت»، به استفاده گسترده از مین‌های دریایی روی آورده‌اند تا با گُند کردن، اخلاف و آسیب رساندن به نیروهای چینی، زمان حیاتی را برای دفاع از جزیره ایجاد کنند (ساویتز^۵، ۲۰۲۳: ۵). ایالات متحده تلاش می‌کند تا تایوان را قادر به توسعه یک استراتژی دفاعی نامتقارن مؤثر کند و به تایپه

-
1. Costner
 2. Thayer
 3. Ely Ratner
 4. Ratner
 5. Savitz

قابلیت‌هایی بدهد که به تضمین امنیت، رهایی از فشار، انعطاف‌پذیری و توانایی درگیر شدن با پکن کمک نماید.

باین‌وجود، بایدن از نظر اقتصادی، به احتمال زیاد رویکرد چندجانبه در مدیریت روابط تجاری با چین که توسط ترامپ متوقف شده بود را بازایی کند و رویکردی عمل‌گرایانه‌تر در مدیریت نگرانی‌های مشترک اقتصادی اعمال نماید؛ درحالی‌که همچنان از فشار اقتصادی برای تقویت موقعیت سیاسی ایالات متحده استفاده می‌کند. همچنان امیدی برای اتخاذ رویکرد متری‌تر نسبت به چین در حوزه اقتصادی وجود دارد؛ به‌ویژه با تمایل دولت بایدن برای حمایت از گفت‌وگوی منطقی‌تر با پکن و ملاحظات آن در مورد سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه ترامپ که چین را تحت تأثیر قرار داد؛ اما به‌طور قابل‌توجهی به ایالات متحده آسیب رساند (کلارک و ریکتس^۱، ۲۰۱۷: ۴۹۳).

این پیشروی می‌تواند مستلزم همکاری در مورد نگرانی‌های امنیتی پیچیده جهانی از جمله تغییرات آب‌وهوایی باشد. به‌خصوص اینکه ایالات متحده آمریکا و چین بزرگ‌ترین تولیدکنندگان دی‌اکسید کربن در جهان هستند. بایدن به توافقنامه پاریس که ترامپ آن را فسخ کرد، پیوسته است؛ درحالی‌که چین آرزوی انتشار خالص کربن صفر تا سال ۲۰۶۰م. را دارد. درخواست چندجانبه‌گرایی توسط وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در پنجاه‌وششمین کنفرانس امنیتی مونیخ، شاید گامی امیدوارکننده در مسیر همکاری متقابل باشد (ماهر، ۲۰۲۳: ۱۰).

همه این موارد نشانه‌هایی از همکاری احتمالی آینده ایالات متحده و چین در پرونده‌های تجارت و تغییرات آب‌وهوا هستند. باین‌وجود، رقابت ژئوپلیتیکی میان واشنگتن و پکن در حال افزایش است. اگر استراتژی هژمونیک ایالات متحده برای حفظ برتری در منطقه آسیا-اقیانوسیه، علی‌رغم همکاری‌ها در حوزه‌های انتخابی با پکن، ادامه یابد، رویارویی و گسترش رقابت‌ها میان واشنگتن و پکن در یک محیط پیچیده بین‌المللی که به سرعت گسترش می‌یابد، اجتناب‌ناپذیر است. به نظر می‌رسد ایالات متحده به‌جای

تنش‌زدایی درصدد تشدید تنش با چین بر سر تایوان است؛ این امر ضمن توسعه تنش‌های ژئوپلیتیکی در شرق آسیا، می‌تواند دورنمای صلح و ثبات را در منطقه تیره‌وتار نماید.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تنگه تایوان در آسیای شرقی از موقعیتی استراتژیک و ژئواستراتژیک برخوردار است؛ این موضوع زمینه مناقشه و افزایش تنش‌ها بین چین و ایالات متحده در این تنگه را فراهم کرده است. اقدامات نظامی تهاجمی چین در منطقه و نظامی‌سازی دریای جنوبی و شرقی چین و آب‌های اطراف تنگه تایوان باعث افزایش حضور نظامیان آمریکایی در خاک تایوان و حمایت ایالات متحده از این جزیره شده است.

چین مدعی است که تایوان یکی از استان‌های سرزمین اصلی است و هرگز استفاده از زور برای تحت کنترل درآوردن این جزیره را رد نکرده است؛ اما تایوان ادعای حق حاکمیت سرزمینی چین را رد می‌کند. پکن تحت تأثیر عوامل ناشی از سطوح داخلی و خارجی، راهبرد نظامی خود را در راستای ارتقای صریح امنیت ملی تنظیم کرده است؛ اما مطابق با اصل واقع‌گرایانه معمای امنیتی، اقدام هر کشور برای افزایش امنیت خود به احساس ناامنی از سوی سایر کشورها منجر می‌گردد؛ سیاست نظامی چین نیز مایه نگرانی و دل‌مشغولی سایر دولت‌ها از جمله آمریکا به‌ویژه در رابطه با تعهداتش نسبت به تایوان شده است.

با وجود آنکه رهبران چین بارها بر نیات و هدف‌های غیر خصمانه و صرفاً دفاعی برنامه‌ها و سیاست‌های خود تأکید کرده‌اند؛ همسایگان آن‌ها همچنان از تغییر نیات این کشور در نتیجه افزایش توانایی‌های آن بیم دارند. این امر یک از دلایلی است که کشورهای منطقه از حضور مؤثر آمریکا استقبال می‌کنند. این ذهنیت در عمل می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی در منطقه منجر شود که نتیجه آن بروز بی‌ثباتی و ناامنی در آسیای شرقی خواهد بود که به هیچ‌وجه مطلوب آمریکا نیست.

تایوان، محور نگرانی‌های امنیتی چین است؛ این موضوع می‌تواند تأثیر بسزایی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی چین داشته باشد؛ لذا چین با یک معضل خاص امنیتی در تنگه تایوان مواجه است؛ این امر، ضمن توسعه بی‌ثباتی‌ها و مسابقه عظیم تسلیحاتی در منطقه،

پکن را در رویارویی با کشورهای ساحلی و ایالات متحده قرار داده است. رهبران جمهوری خلق چین به وضوح اتحاد رسمی با تایوان را به عنوان یک هدف مهم ملی در نظر می گیرند که این موضوع مانع از توسعه روابط آمریکا و چین می شود.

مسئله تایوان به منافع اصلی چین مربوط می شود؛ این موضوع باعث شکل گیری منافع متضاد با ایالات متحده در تایوان و افزایش تنش ها و رقابت ها میان دو کشور در منطقه شده است. هرچند چین در سال های گذشته با رشد فزاینده اقتصادی، تشویش خاطر آمریکا را برانگیخته بود؛ اما با تمایل رهبران این کشور برای نوسازی نیروی نظامی این نگرانی ها با شدت بیشتری نمایان شد. تلاش چین برای افزایش قدرت نظامی با واکنش های فراوانی از سوی قدرت های بزرگ و همسایگان آسیایی این کشور مواجه شد. در این میان، آمریکا به دلیل منافع گسترده خود در سراسر جهان و بخصوص آسیا بیش از دیگر بازیگران بین المللی از افزایش قدرت چین در عرصه های اقتصادی و به ویژه عرصه نظامی نگران است.

افزایش قدرت و نفوذ نظامی چین برای کشورهای همسایه از جمله تایوان تهدید محسوب می شود؛ این امر باعث واکنش کشورهای ساحلی و حضور گسترده ایالات متحده در شرق آسیا جهت بازتوازن قدرت روزافزون چین در منطقه خواهد شد. طبق نظریه موازنه تهدید ائتلاف های توازن کننده صرفاً در قبال «تهدید» شکل می گیرند، نه صرف افزایش «قدرت». در این خصوص، ایالات متحده با برقراری روابط و ائتلاف سازی با کشورهای منطقه و توسعه حضور خود در تنگه تایوان در راستای مهار قدرت و نفوذ چین و کاهش تهدیدات این کشور در منطقه گام برمی دارد. در این رابطه، با فروش تجهیزات نظامی به تایوان به ارتقای ظرفیت و توان بازدارندگی این کشور در برابر هرگونه توسل به زور یا سایر اشکال اجباری از سوی پکن که امنیت تایپه را به خطر می اندازد، مبادرت می ورزد.

درواقع، این گروه از متحدان آمریکا در منطقه عملاً حلقه محاصره آمریکا به دور چین محسوب می شوند که ضمن تأمین و تضمین اهداف و منافع واشنگتن و هم پیمانان منطقه ای

آن، درصدد کاستن از دامنه نفوذ پکن در تنگه تایوان و شرق آسیا برآمده‌اند؛ این امر، ضمن افزایش معضل امنیتی در تنگه تایوان، می‌تواند به گسترش تنش‌ها و رقابت‌های ایالات متحده و چین بر سر موازنه‌سازی قدرت در تنگه کمک نماید. شاید مهم‌ترین کاری که واشنگتن و پکن می‌توانند برای به حداقل رساندن خطر تشدید معضل امنیتی بین تنگه انجام دهند، جلوگیری از افول روابط گسترده‌تر چین و آمریکا باشد.

نکته اساسی این است که سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران، رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی و شمال شرقی این کشور و تلاش تهران برای تعمیق مناسبات همگرایانه با بازیگران حاضر در این مناطق ازجمله جنوب شرق آسیا محسوب می‌شود. ج.ا.ایران در راستای تأمین منافع اقتصادی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های توسعه‌ای و ارتقای ضریب امنیتی خود، نیازمند همکاری و ائتلاف با کشورهای جنوب شرق آسیا از طریق تعامل دوجانبه و همکاری‌های جمعی در چارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای نظیر آسیا-اقیانوسیه، آ.سه.آن، سارک و دی هشت است.

در سیاست نگاه به شرق، اهمیت کشورهایی مانند چین برای ج.ا.ایران بسیار بارز و مشخص است. چین، مهره‌ای بزرگ در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است و طی سال‌های اخیر روند پیشرفت و قدرت‌گیری و ارتقا جایگاه را با سرعت چشمگیری طی کرده و از توان بالایی جهت کمک به تأمین منافع اقتصادی ایران برخوردار است. از سویی دیگر، ج.ا.ایران به واسطه تعلق به حوزه تمدنی مشرق زمین، راحت‌تر می‌تواند با بازیگرانی مانند چین ائتلاف و همگرایی برقرار سازد؛ لذا تهران در راستای بهره‌برداری بهینه از حداکثر ظرفیت پکن با هدف ارتقای منافع ملی خود به طراحی یک سیاست‌گذاری مناسب نیاز دارد. ازاین‌رو، هرگونه تنش میان کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا ازجمله چین و تایوان به‌عنوان اصلی‌ترین شریک تجاری در منطقه، بازارهای جهان ازجمله ج.ا.ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد و از هر دو جبهه این جنگ احتمالی آسیب اقتصادی خواهد دید.

دو کشور ج.ا.ایران و چین تحت فشارها و تحریم‌های واشنگتن قرار دارند؛ لذا تهران جهت خنثی‌سازی فشارها و تحریم‌های ایالات متحده باید روابط خود را با پکن بیش‌ازپیش توسعه بخشد؛ این امر، ضمن بهره‌مندی ج.ا.ایران از جایگاه بین‌المللی پکن،

می‌تواند به افزایش قدرت بازدارندگی تهران در برابر آمریکا در سطح منطقه و بین‌الملل کمک نماید. همچنان که چین در شرایط تحریم می‌تواند خریدار خوبی برای نفت ایران باشد، همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های هسته‌ای، نظامی و تسلیحاتی، می‌تواند کمک شایانی به ارتقای نفوذ منطقه‌ای ایران و دستیابی این کشور به فاکتورهای قدرت در سطح بین‌الملل نماید.

از سویی دیگر، ج.ا.ایران در رده‌های پایین روابط تجاری با تایوان قرار دارد. ایران برای صنایع تایوان فقط مواد خامی همچون نفت، آلومینیوم و فولاد صادر می‌کند و از تایپه قطعات الکترونیکی وارد می‌کند؛ اما انحصاری که تایوان در بازار صنایع تک دارد، بازار وارداتی ایران را دستخوش گرانی و نبود کالا خواهد کرد.

با توجه به اهمیت و جایگاه اقتصادی چین و تایوان، مقامات ج.ا.ایران باید ضمن توسعه و حفظ روابط خود با هر دو کشور، از مجاری دیپلماتیک و تقویت همگرایی و همکاری با چین و تایوان، مانع از توسعه خصومت‌ها و تنش‌ها میان پکن و تایپه شوند.

منابع

الف-فارسی

- احمدی، اسماعیل (۱۳۹۹). «ایجاد جبهه ضد استکباری با حضور حداکثری دولت‌های منطقه غرب آسیا»، *فصلنامه محیط راهبردی*، ۴(۱۳)، ۵۲-۹.
- آدمی، علی؛ نورانی، سینا (۱۳۹۸). «موازنه تهدید در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۹(۳۵)، ۱۴۴-۱۱۵.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۳). «نظام بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰-۱۹۹۱)»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۳(۸۸)، ۱۸۴-۱۵۳.
- جعفری ولدانی، اصغر؛ محسن پیرهادی، محسن (۱۳۹۵). «جایگزینی نفوذ آمریکا به‌جای انگلیس در ایران (۹۷۹۱-۳۵۹۱)»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۶(۲۲)، ۹۹-۵۹.
- خبرگزاری فارس (۱۴۰۲). «پدافند تایوان با سامانه «ناسام-۲» به تقابل با جت‌های چین می‌رود»، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.ir/news/>
- خیری، مصطفی؛ ایزدی، رجب (۱۳۹۶). «منافع روسیه در خارج نزدیک با تأکید بر ارمنستان»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۳(۱۰۰)، ۲۴-۱.
- درج، حمید؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰). «تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۳۵(۱)، ۲۶۴-۲۴۳.
- درج، حمید؛ فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۸). «روسیه و چین در مقابل آمریکا در صفحه ژئوپلیتیک اوراسیا»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۴(۱)، ۶۲-۲۳.
- زارغان، احمد؛ دعاگوی روزبهرانی، رضا (۱۴۰۲). «سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین با تمرکز بر مسئله تایوان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، ۳(۱۰)، ۳۶-۱۰.
- شفیعی، عباس؛ پوستین‌چی، زهره؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ و حسن خداوردی (۱۳۹۹). «بررسی روابط سیاسی-امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۱۱)، ۱۱۹۴-۱۱۷۹.
- فرازی، مهدی (۱۳۹۹). «جایگاه تایوان در روابط چین و آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ»، *مجله امنیت بین‌الملل*، ۱(۲۴)، ۶۵-۳۲.

- قربانی شیخ نشین، ارسلان؛ حداد زند، شیرین (۱۴۰۲). «جنگ تجاری چین و آمریکا و پیامد آن بر کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مطالعه موردی ویتنام و تایوان»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴ (۷۳)، ۲۰۱-۲۲۸.
- گلشاهی، محمد (۱۴۰۱). *روابط ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین و تایوان (بر مبنای استراتژی پیشگیری از جنگ)* ۲۰۲۲-۲۰۲۰، تهران: انتشارات مناره.

ب- انگلیسی

- Allison, Graham (2017). *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap*, Houghton Mifflin Harcourt, pp. 1-384.
- Alysa, Michelle (2020). "The implication of the US-Taiwan relations towards the US-China relations under Obama administration", *Verity Jurnal Ilmiah Hubungan Internasional (International Relations Journal)*, 11(21), pp. 23-56.
- Buckley, Chris; Chris, Horton (2019). "Unification Plan from China Finds Few Takers in Taiwan," *New York Times*, at: <https://www.nytimes.com/2019/01/02/world/asia/xhina-xi-jinping-taiwan.html>
- Bush, Richard C. (2013). *Uncharted Strait: The Future of China-Taiwan Relations*, Brookings Institution Press, pp. 1-319.
- Clarke, Michael; Ricketts, Anthony (2017). "US grand strategy and national security: the dilemmas of primacy, decline and denial", *Australian Journal of International Affairs*, 71(5), pp. 479-498.
- DeLisle, Jacques; Goldstein, Avery (2021). *After Engagement Dilemmas in US-China Security Relations*, Brookings Institution Press, pp. 1-390.
- Dinh, Thu Hien (2019). *China's South China Sea Strategy a Structural Realist Case Study*, Development and International Relations - Chinese Area Studies, pp. 1-56.
- Feng, Liu (2016). 'China's Security Strategy towards East Asia', *The Chinese Journal of International Politics*, 9 (2), pp. 79-151.
- Gordon, Susan M.; Mullen, Michael G.; Sacks, David (2023). *U.S.-Taiwan Relations in a New Era: Responding to a More Assertive China*, Council on Foreign Relations, pp. 1-145.
- Hass, Ryan; Glaser, Bonnie; Bush, Richard (2023). *U.S.-Taiwan Relations: Will China's Challenge Lead to a Crisis*, Brookings Institution Press, pp. 1-184.
- Johnston, Alastair Iain (2013). "How New and Assertive Is China's New Assertiveness", *Journal of International Security*, 37(4), pp.7-48.

- Kuehn, David (2021). "Managing the status quo: continuity and change in the United States' Taiwan Policy", **German Institute for Global and Area Studies**, (6), pp.1-11.
- Kuo, Raymond (2023). "Strategic Ambiguity' Has the U.S. and Taiwan Trapped", **Foreign Policy**, January 18, available at: <https://foreignpolicy.com/2023/01/18/taiwan-us-china-strategic-ambiguity-military-strategy-asymmetric-defense-invasion/>
- Liff, Adam P.; Ikenberry, G. John (2014). "Racing toward Tragedy: China's Rise, Military Competition in the Asia Pacific, and the Security Dilemma", **Journal of International Security**, 39(2), pp. 52–91.
- Maher, Nora (2023). "US–China policy amid a persistent strategy: is conflict over Taiwan inevitable", **Review of Economics and Political Science**, 8(13), pp. 1-17.
- Mehboob, Shazia (2018). "Sino-US Geostrategic Competition in the South China Sea: Contextualising Rivalries, Interests, and Strategies", **Orient Research Journal of Social Sciences**, 3(2), pp. 204-218.
- Picciotto, Rebecca (2024). "White House prepares for Taiwan presidential elections and 'period of higher tension'", **CNBC**, available at: <https://www.cnbc.com/2024/01/11/white-house-prepares-for-taiwan-presidential-elections-and-period-of-higher-tension>.
- Raditio, Klaus Heinrich (2018). **Understanding China's Behaviour in the South China Sea 'A Defensive Realist Perspective'**, Palgrave Macmillan, pp. 1-221.
- Ratner, Ely s. (2024). "Statement by Ely s. Ratner, Assistant Secretary of Defense for Indo-Pacific Security Affairs, office of the Secretary Defense", **before the 118th Congress House Armed services Committee**, march 20, available at: <https://www.congress.gov/118/meeting/House/116960/witnesses/HHRG-118-ASOO-Wstate-RatnerE-20240320>.
- Savitz, Scott (2023). "Defend Taiwan with Naval Mines", **United States Naval Institute**, available at: <https://www.usni.org/magazines/proceedings/2023/february/defend-taiwan-naval-mines>
- Schweller, Randall L.and et.al. (۲۰۰۰). Brother Can You Spare a Paradigm? (Or Was Anybody Ever a Realist?), **Journal of International Security**, ۲۵(۱), pp. 165-193.
- Sevastopulo, Demetri (2022). "US Allies Rattled by China's Aggressive Response to Nancy Pelosi's Taiwan Visit", **Financial Times**, available at: <https://www.ft.com/content/5462a57a-bd13-4313-b26b-9645b48a70ee>
- Thayer, Carlyle A. (2010). "The United States and Chinese Assertiveness in the South China Sea", **Journal of Security Challenges**, 6(2), pp. 69-84.
- **The White House** (2022). "Remarks by President Biden on the security assistance to Ukraine", available at: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2022/05/03/remarksby-President-biden-on-the-security-assistance-to-ukraine>.

- Walt, Stephen M (2008). “Alliances, Threats, And U.S. Grand Strategy: A Reply to Kaufmann and Labs”, *Security Studies*, 1(3), pp. 448–482.
- Walt, Stephen M (2013). *The Origins of Alliances*, Cornell University Press, pp. 1-336.
- White, Hugh (2013). *The China Choice: Why We Should Share Power Reprint Edition*, Oxford University Press, pp. 1-208.
- Yao, Yang (2021). “The New Cold War: America’s new approach to Sino-American relations”, *China International Strategy Review*, 3(11), pp.20-33.
- Yoshihara, Toshi; Holmes, James (2018). *Red Star over the Pacific: China's Rise and the Challenge to U.S. Maritime Strategy*, Naval Institute Press, pp. 1-376.
- Yuan, Jingdong (2023). “The United States and stability in the Taiwan Strait”, *Bulletin of the Atomic Scientists*, 79(2), pp. 80-86.